



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: 2717-4271

شاپا چاپی: 2008-5850



رابطه تسهیلات بانکی و رشد اقتصادی ایران: شواهدی از ماتریس حسابداری اجتماعی مالی

رضا شاکری بستان آباد*، وحیده انصاری**

* دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.
** استادیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: C82, E51, G21
تاریخ دریافت:	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری:	رکود تورمی، توسعه مالی، رشد اقتصادی، ماتریس حسابداری اجتماعی مالی.
تاریخ پذیرش:	ادرس پستی:
انتشار آنلاین از تاریخ:	کرج، چهارراه دانشکده، دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران،
ارتباط با نویسنده مسئول:	دانشکده کشاورزی، گروه اقتصاد کشاورزی، کد پستی: 77871-31587
ایمیل: vansari@ut.ac.ir	
0000-0001-7400-8396	

اطلاعات تکمیلی:

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدر دانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله از آنه شده تضاد منافی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده اند.

چکیده

وجود پدیده رکود تورمی در اقتصاد ایران موجب کاهش درآمد سرانه حقیقی، قدرت خرید و افت تقاضای کل شده است. کاهش اجزای تقاضای کل و تداوم آن موجب آسیب دیدن توان تولیدی اقتصاد، کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی خواهد شد. بنابراین باید راهکاری اندیشه شود تا رکود شکل گرفته در طرف تقاضای اقتصاد رفع شود. در این زمینه توسعه مالی و اعطای تسهیلات می‌تواند باعث تحریک تقاضا و ایجاد بسترهای لازم برای بازسازی فرآیندهای تولید شود. هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر پذیری رشد فعالیت‌های اقتصادی ایران از تسهیلات اعطایی به نهادهای اقتصادی-اجتماعی (شرکت‌های غیر مالی و خانوارها) (به تفکیک گروه‌های درآمدی شهری و روستایی)) با رویکرد جدید ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران است. بدین منظور با بهنگام‌سازی داده‌های جدول عرضه و مصرف اقتصاد ایران، ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران برای سال 1397 تدوین شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تحریک تقاضای جاری خانوارها با تسهیلات جاری و تحریک تقاضای سرمایه‌ای خانوارها و شرکت‌های غیرمالی با تسهیلات سرمایه‌ای باعث افزایش تولید فعالیت‌های اقتصادی در سطح مناسبی می‌شود. بنابراین با اعطای تسهیلات و تامین اعتبارات برای نهادهای می‌توان زمینه تحریک تقاضا را فراهم کرد و انتظار بهبود تولیدات فعالیت‌ها و کاهش رکود را داشت. در این زمینه می‌توان با اتخاذ تدابیر و راهکارهایی

نظیر اعطای تسهیلات خرید به مصرف‌کنندگان، زمینه رونق واحدهای تولیدی را فراهم کرد. همچنین با تسهیل دریافت تسهیلات سرمایه‌ای برای خانوارها و شرکت‌های غیر مالی می‌توان به تحرکبخشی سمت عرضه کمک کرد.

ارجاع به مقاله:

شاکری بستان آباد، رضا، انصاری، وحیده. (سال انتشار). رابطه تسهیلات بانکی و رشد اقتصادی ایران: شواهدی از ماتریس حسابداری اجتماعی مالی. مجله اقتصاد مقداری، دوره (شماره). ص-ص.

 [10.22055/jqe.2019.26401.1899](https://doi.org/10.22055/jqe.2019.26401.1899)

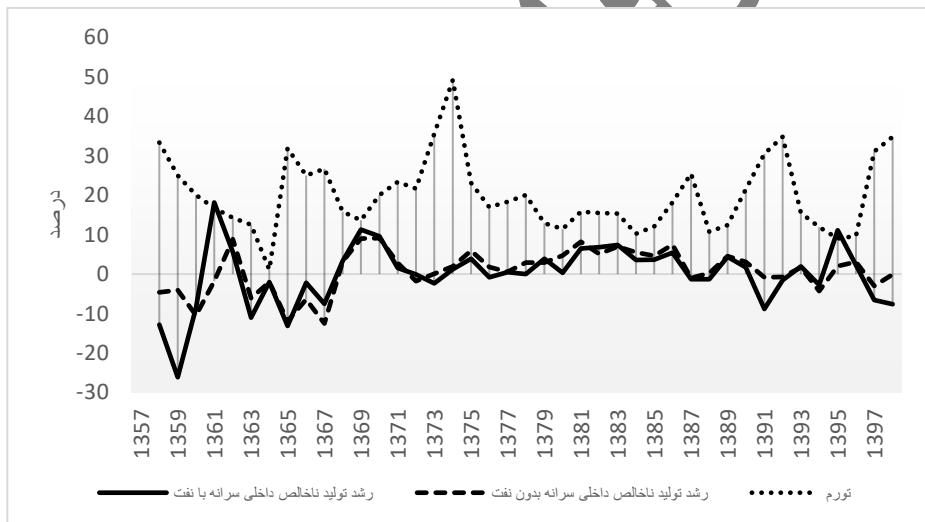


© 2021 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

غیر قابل انتشار

1- مقدمه

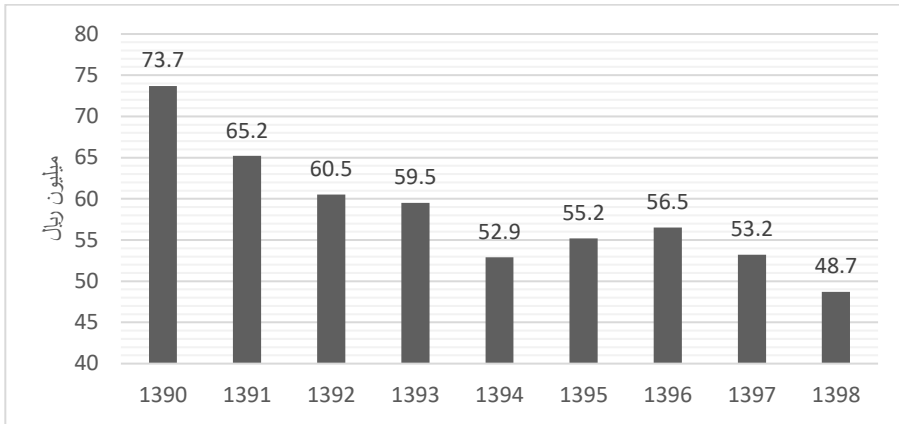
یکی از چالش‌های اساسی سال‌های اخیر در اقتصاد ایران وجود پدیده رکود تورمی است که با دامن زدن همزمان به معضل بیکاری و تحلیل ظرفیت‌های اشتغال‌زایی اقتصاد، درآمد سرانه حقیقی و قدرت خرید خانوارها را تضعیف کرده است و سبب افت تقاضای کل در اقتصاد شده است. این پدیده در اثر همزمانی افزایش نرخ تورم و کاهش رشد اقتصادی رخ می‌دهد. با نگاهی به نمودار شماره (1) می‌توان به وضوح مشاهده نمود به جز چند سال اقتصاد ایران شاهد تورم‌های بالایی بوده است و در یک دهه اخیر در کنار تورم بالا، رشد اقتصادی و میزان تولید ناخالص داخلی نیز تنزل پیدا کرده است که موید وضعیت رکود تورمی در اقتصاد ایران است. در حالی‌که در اهداف برنامه‌های پنجم و ششم توسعه دستیابی به نرخ رشد اقتصادی معادل 8 درصد تعیین شده، متوسط رشد اقتصادی کشور از سال 1391 تا 1398 نزدیک به صفر بوده است. مهمتر از متوسط رشد اقتصادی پایین کشور در سال‌های اخیر، نوسان زیاد نرخ رشد اقتصادی کشور طی این سال‌ها (بین 8/83 و 11/13) می‌باشد. پیامد کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم در سال‌های اخیر، کاهش شدید درآمد سرانه حقیقی بوده است. به طوری‌که در نمودار (2) مشاهده می‌شود درآمد سرانه حقیقی از 73/7 میلیون ریال در سال 1390 به 48/7 میلیون ریال در سال 1398 رسیده است. به عبارتی در طی 8 سال این درآمد کاهش 34 درصدی داشته است. در واقع علی‌رغم افزایش درآمد اسمی خانوارها قدرت خرید هر فرد ایرانی نسبت به سال 1390 حدود یک سوم کاهش یافته است.



نمودار 1. روند تورم و رشد اقتصادی اقتصاد ایران در بازه 1357-1398
منبع: (بانک مرکزی ایران (1400) و محاسبات تحقیق)

Figure 1. The trend of inflation and economic growth of Iran's economy in the period of 1978-2019

Source: (Central Bank of Iran (2021) and research calculations)



نمودار 2. روند درآمد سرانه حقیقی در بازه زمانی 1390-1398
منبع: (مرکز آمار ایران (1400) و محاسبات تحقیق)

Figure 2. The real per capita income trend in the period of 2010-2018
Source: (Statistical Center of Iran (2021) and research calculations)

نتیجه وضعیت بالا کاهش اجزای تقاضای کل در اقتصاد ایران است. برای نمونه بر اساس آمار بانک مرکزی هزینه مصرف خصوصی سرانه از 1390 تا 1398 روند کاهشی داشته و از 36/93 میلیارد ریال به 30/18 میلیارد ریال به ازای هر هزار نفر رسیده است. به عبارت دیگر مصرف خصوصی سرانه در طول دوره 1390-1398، 18/26 درصد کاهش یافته است. بر اساس برآوردهای مرکز آمار ایران در سال 1391 (که سال اول اعمال تحریم‌ها به شمار می‌رود)، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص رشد منفی 26 درصدی را ثبت کرده است. همچنین، از سال 1397 همگام با جهش‌های متعدد نرخ ارز که یکی از عوامل مهم ایجاد عدم اطمینان در اقتصاد کشور بوده، سیر نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه‌گذاری) در اقتصاد طی سال‌های 1397 و 1398 تشدید شده است، به طوری که رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای سال‌های مذکور به ترتیب معادل 6/93- درصد و 5/44- درصد ثبت شده است (Statistical Center of Iran, 2021؛ Central Bank of Iran, 2021). بنابراین کاهش اجزای اصلی تقاضای اقتصاد ایران در سال‌های اخیر و به ویژه قدرت خرید خانوارهای شهری و روستایی و به تبع آن کاهش شدید تقاضا خانوارها طی یک دهه اخیر کاملاً مشهود است. بدلیل اینکه اجزای تقاضای کل در واقع منابع رشد تولید محسوب می‌شوند، افت هر یک از آن‌ها کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی را به همراه خواهد داشت.

کمبود تقاضا باعث می‌شود که واحدهای تولیدی با ظرفیت کمتری نسبت به ظرفیت واقعی خود فعالیت کنند یا از فرآیند تولید خارج شوند. می‌توان تأثیرات منفی از ظرفیت استفاده نشده در واحدهای تولیدی را در دو سطح، سطح بنگاه و سطح ملی، مورد بررسی قرار داد. در سطح بنگاه، ظرفیت استفاده نشده تأثیر منفی بر بهرموری بنگاه دارد و باعث می‌شود سودآوری بنگاه کاهش یابد و در مواردی که بنگاه نتواند به نقطه سر به سر تولید برسد، ضرر و زیان را متحمل می‌شود (Kuzegari Mamqani, 2013). همچنین، وجود ظرفیت استفاده نشده در بنگاه تولیدی باعث می‌شود هزینه تمام شده تولید کالا نسبت به بنگاه‌های رقیب بیشتر شود که در نتیجه بنگاه توان رقابتی خود را در مقابل سایر رقیب از دست خواهد داد که همه این موارد در بلندمدت می‌تواند بنگاه را به ورطه ورشکستگی بکشاند (Hadi Zonooz & Bakhtiari, 2010). در سطح ملی، ظرفیت استفاده نشده بنگاه‌های تولیدی سبب می‌شود که از سرمایه ملی کشور به درستی استفاده نشود و بهرموری کلی صنایع کاهش یابد که در نتیجه میزان صادرات به خارج کاهش یافته و در مقابل میزان واردات افزایش می‌یابد (Khodadad Kashi, 2010). همچنین، غیرفعال شدن ظرفیت واحدهای تولیدی، به صورت زنجیره‌ای بر کل زنجیره تأمین صنعت تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه تقاضا برای مواد و قطعات اولیه کم شده، ظرفیت تولیدی بنگاه‌های تولیدکننده مواد و قطعات اولیه نیز کاهش خواهد یافت. این پدیده در علم اقتصاد،

اثر شلاقی در زنجیره تأمین نامیده می‌شود (Chen, Drezner, Ryan, & Simchi-Levi, 2000). اما مهمترین پیامد منفی بلااستفاده ماندن ظرفیت بنگاه‌های تولیدی در سطح ملی، تبعات اجتماعی-فرهنگی ناشی از بیکار شدن نیروی شاغل است. چراکه با کاهش ظرفیت تولید واحدهای صنعتی بخشی از نیروی کار شاغل بیکار خواهند شد که معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی- فرهنگی به دنبال خواهد داشت (Kargarborzi, Jalai & Pourrezaqoli, 2013).

با توجه به مطالب ذکر شده باید راهکاری اندیشه شود تا این رکود شکل گرفته در طرف تقاضای اقتصاد رفع شود؛ چرا که یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رفاه اجتماعی کشورها دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا بوده و همواره مورد توجه اقتصاددانان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بوده است. در این زمینه تأثیر توسعه مالی بر تقویت تقاضا و رشد اقتصادی یکی از موضوع‌های مورد بحث در میان اقتصاددانان بوده است و مباحث متعددی در این زمینه مطرح شده است. اقتصاددانانی نظیر گلداسمیت (1969)، مک مکینون (1973) و شای (1973) در تحقیقات خود نشان دادند که میان توسعه مالی و رشد اقتصادی کشورها همبستگی مثبت وجود دارد. آن‌ها بر این باورند که بازارهای مالی دارای نقش کلیدی بر رشد اقتصادی هستند. در واقع نظام کارهای مالی و بانکی سرمایه را از پس‌انداز کنندگان به دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی انتقال می‌دهد و با تأمین مالی پروژه‌های مولد، باعث تحریک تقاضا، افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود (Moradi, Ghaffari Ismaili & Shaw, 1973; McKinnon, 1973; Goldsmith, 1969; Ahmadi, 2017).

در دو دهه گذشته اهمیت تسهیلات بانکی و توسعه مالی مورد توجه پژوهشگران داخلی بوده است و مطالعات متعددی در این زمینه از جنبه‌های گوناگون صورت گرفته است. مطالعات جعفری صمیمی و همکاران (1388)، ترابی و همکاران (1389)، سیفی پور (1389)، حسینی و همکاران (1390)، سعیدی و عباسی (1390)، هوشمند و دانش نیا (1390)، جوانبخت و سلامی (1391)، ابونوری و تیموری (1392)، عزیزی و بشرآبادی (1393)، محمدنژاد و همکاران (1394)، دژپسند و بخارایی (1395)، فقه مجیدی و همکاران (1396)، ورهرامی و عوض نیا (1396)، سایه میری و همکاران (1397)، مهرآرا و همکاران (1398)، فتحی آقابابا و همکاران (1399) و حسین‌پور نادری و همکاران (1400) نمونه‌هایی از مطالعات گذشته در زمینه توسعه مالی و رشد اقتصادی است (Jafari Samimi, Farhang, Seifi, Torabi, Pikarjo & Abron, 2010; Rostamzadeh & Mohammadzadeh, 2010; Saidi & Abbasi, 2012; Hossini, Ashrafi & Siami Araghi, 2012; pour, 2010; Abounoori & Javanbakht & Salami, 2012; Hoshmand, & Daneshnia, 2012; Mohamadnejad, Fetras & Azizi & Mehrabi Boshrahadi, 2015; Teimoury, 2013; Feqhe Majidi, Ahmadzade & Dezhpasand & Bokharayee., 2016; Masoumi, 2015; Sayehmiri, Omidj & Parvizfar, 2019; Vorhami & Avaznia, 2017; Goudini, 2017; Fatthi Aghababa, Azizi & Mahmmodzade, Mehrara, Ayin & Hokallahi, 2019; Hosseinpoor Naderi, Alijani & Nikoukar, 2022).

در این مطالعات عموماً از رهیافت‌های تعادل جزئی برای بررسی روابط بین متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده است. این در حالی است که الگوهای تعادل جزئی به دلیل اینکه ارتباط و وابستگی متقابل بین بخش‌های اقتصادی، نهادهای اقتصادی-اجتماعی-مالی و عوامل تولید را نادیده می‌گیرند، نتایج قابل اعتمادی را ارائه نمی‌کنند و از این نظر ممکن است موجب گمراهی شوند. بنابراین باید از روش‌های تحلیل تعادل عمومی که اقتصاد کشور بصورت مجموعه‌ای بهم پیوسته در نظر می‌گیرند، استفاده شود.

مطالعه حاضر بر آن است تا با تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی مالی¹ (FSAM) ایران، تأثیرپذیری رشد فعالیت‌های اقتصادی ایران از تسهیلات اعطایی به نهادهای اقتصادی-اجتماعی (شرکت‌های غیر مالی و خانوارها (به تفکیک گروه‌های درآمدی شهری و روستایی)) را ارزیابی کند. این رهیافت بر خلاف رهیافت تعادل جزئی، با لحاظ کردن جریان مالی بین نهادهای اقتصادی و با در نظر گرفتن حساب‌های

¹ Financial Social Accounting Matrix

مالی، موجبات تکمیل جریان دایره وار درآمد ملی فراهم آورده و تصویری جامع و شفاف از بخش های واقعی و مالی اقتصاد را بصورت همزمان ارائه می کند تا درک عمیق تری از عملکرد کل اقتصاد بدست آید. همچنین در این مطالعه، جداول عرضه و مصرف اقتصاد ایران برای سال 1397 بهنگام شده و بر اساس آن FSAM تدوین می شود که از این نظر نیز نسبت به سایر مطالعات نوآوری دارد. بدین منظور در ادامه مقاله، مبانی نظری توسعه مالی و رشد اقتصادی و مبانی نظری ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ارائه می شود. سپس مطالعات گذشته در زمینه تاثیر تسهیلات و توسعه مالی مرور شده و روش شناسی پژوهش تشریح می شود. ارائه نتایج حاصله و تحلیل یافته ها بخش پایانی مقاله حاضر خواهد بود.

2- مبانی نظری

2-1- تسهیلات بانکی و رشد اقتصادی

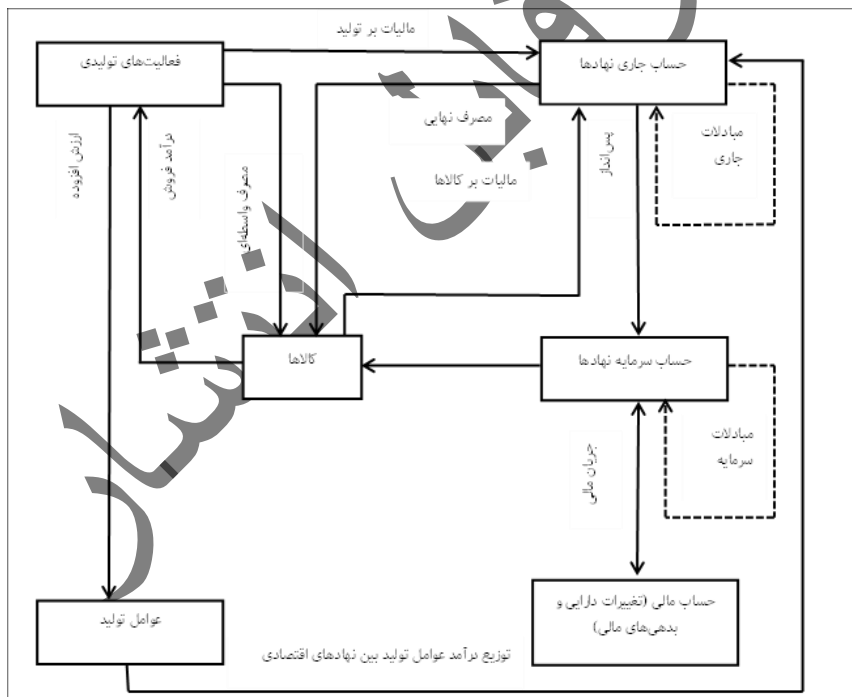
بانک ها به عنوان یکی از اصلی ترین بخش های بازار پول و همچنین بزرگترین و مهم ترین نهادهای فعال در این حوزه، نقش واسطهگری مالی را دارند. این نقش در اقتصادهایی که بر پایه بانکها استوار هستند، مانند اقتصاد ایران، بسیار بیشتر است. بانکها از یک سو با سازماندهی دریافتها و پرداختها، تجارت و معاملات را آسانتر می کنند و بازارها را گسترش می دهند. از سوی دیگر، با تجهیز پس اندازهای کوچک و بزرگ و هدایت آنها به سمت واحدهای تولیدی، زمینه های رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می آورند و از طریق مکانیزم اعطای وام، به ایجاد و رشد ارزش افزوده در بخش های مختلف اقتصاد کمک می کنند (Awad & Al Karaki, 2019؛ Fatthi Aghababa et al., 2020).

در رویکردهای تحلیلی تقاضامحور که مورد نظر پژوهش حاضر نیز است، مسیر تجهیز پس اندازها و تزریق آن به واحدهای اقتصادی و در نهایت تقویت تقاضای کل مورد تاکید است. در واقع نقش مفروض مخصوص بانکها به عنوان وام دهندگان به طبقاتی از وام گیرندگان بانکی موجب افزایش وام هایی می شود که مخارج سرمایه گذاری (و مخارج مصرف کننده) را افزایش خواهند داد. بنابراین مشاهده می شود که با اعمال سیاست های پولی انبساطی از طریق افزایش در میزان سپرده های بانکی منجر به افزایش در میزان منابع بانکی و به دنبال آن افزایش در میزان وام دهی بانک شده که این امر منجر به تزریق منابع بانکی به بخش های مختلف اقتصادی از طریق وام و تسهیلات پرداختی می شود که افزایش در سرمایه گذاری رونق تولید و رشد اقتصادی را به دنبال دارد (Shanchera & Naini, 2011). بطور دقیق تر تجهیز پس اندازها و اعطای تسهیلات به نهادهای اقتصادی توسط بانکها، باعث تحریک تقاضای مصرفی و سرمایه های می شود. وقتی تقاضا افزایش می یابد، ابتدا تولید به همان اندازه افزایش می یابد. سپس تقاضا برای عوامل تولید و کالاهای واسطه ای افزایش می یابد که افزایش کالاهای واسطه ای خود موجب افزایش تولید فعالیتها می شود. در این صورت کالاهای بیشتری تولید می شود و درآمد صاحبان عوامل تولید افزایش پیدا می کند. صاحبان عوامل تولید قسمتی از درآمد بدست آمده را متناسب با میل نهایی به مصرف خود، صرف مخارج مصرفی می کنند. بنابراین تولید و درآمد دوباره به اندازه افزایش مصرف صاحبان عوامل تولید افزایش یافته و به جریان افزایش درآمد افزوده می گردد. بار دیگر دریافت کنندگان این افزایش در مخارج (دریافت کنندگان پول هایی که صاحبان عوامل تولید خرج کرده اند) مقداری از این درآمد را مصرف می کنند، پس دوباره محصول و درآمد افزایش می یابد ولی کمتر از حالت قبل. این جریان به همین شکل و به طور نامحدود ادامه می یابد. به این ترتیب ضریب فزاینده به صورت مجموع افزایش های ایجاد شده در مخارج بر اثر افزایش تقاضا در یک مجموعه پویا شکل می گیرد. حال بسته به آنکه اعطای تسهیلات برای تقاضای مصرفی یا سرمایه گذاری است، می تواند اثرات تولیدی متفاوتی داشته باشد (Branson, 2003؛ Ansari, 2009).

2-2- مبانی نظری ماتریس حسابداری اجتماعی مالی

ادغام بخش واقعی و مالی اقتصاد یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان بوده است. مطالعات تجربی که تلاش کرده اند اطلاعات جریان منابع مالی را وارد مدل های کمی اقتصادی کنند در دو گروه قابل تقسیم بندی

هستند. گروه اول از تکنیک‌های اقتصاد سنجی برای ساخت مدل‌های جریان منابع مالی استفاده کردند. پیشگامان این گروه شامل داوسون (1958)، توبین (1969) و کوهن (1968، 1963) می‌باشند. این گروه از مطالعات به مدل‌های تعادل عمومی قابل محاسبه مالی توسعه داده شدند (Dawson, 1958؛ Tubin, 1969؛ Cohen, 1963, 1968). در مقابل، گروه دوم مطالعات از تکنیک ماتریس استفاده کرده‌اند و به دو زیر گروه تقسیم شده‌اند. گروه اول بطور مستقیم از اطلاعات جریان منابع مالی استفاده کردند که استون (1966) و کلین و همکاران (1983) از پیشگامان این گروه می‌باشند (Stone, 1966؛ Klein, Klein & Welfe, 1983). آن‌ها روش‌هایی را پیشنهاد دادند که ترازنامه جریان منابع مالی به ماتریس مربع تبدیل شود. در این صورت می‌توان بصورت گسترده در تحلیل‌های داده-ستانده برای مطالعه جریان منابع مالی استفاده کرد. گروه دوم ماتریس حسابداری اجتماعی مالی (FSAM) را توسعه دادند که در واقع ادغام جریان منابع مالی با چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) بود. رو (1985) پیشگام مطالعاتی بود که یک رهیافت برای تفکیک حساب سرمایه و ابزارهای مالی پیشنهاد داد (Roe, 1985). بعد از آن رابینسون (1991) یک چارچوب عملی را برای تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی مالی را فراهم کرد. مشخصه بارز FSAM توانایی آن در مشخص نمودن منابع مالی بصورت دارایی‌های مالی متنوع است (Robinson, 1991). در نمودار (3) گردش دایره وار درآمد در چارچوب FSAM نشان داده شده است.



نمودار 3. گردش دایره وار درآمد در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی مالی
(منبع: لی، 2008)

Figure 3. Circular circulation of income in the framework of the social and financial accounting matrix

Source: (Li, 2008)

تفاوت FSAM با SAM متعارف در این است که اولاً در FSAM حساب سرمایه به نهادهای اقتصادی مختلف تفکیک شده است، دوماً نقش این حساب در FSAM با SAM متفاوت است. نقش حساب سرمایه در SAM ثبت پس‌انداز نهادهای اقتصادی (بنگاه‌ها، خانوارها و دولت) و تخصیص آن به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی است. اما در حساب سرمایه FSAM دارایی‌هایی فیزیکی و مالی نهادهای هم تفکیک شده و آن بخشی از پس‌اندازها که به دارایی‌های مالی اختصاص پیدا کرده را ثبت می‌کند. این دارایی‌ها از طریق ابزارهای مالی نظیر تسهیلات، اوراق مشارکت و سهام به عنوان بدهی مالی دوباره به سیستم تزریق می‌شوند. سوماً FSAM دارای حساب مالی است که تغییرات دارایی‌ها و بدهی‌های مالی نهادهای را در یک دوره معین (یک سال) نشان می‌دهد. این حساب مالی با مبادلات مالی که با حساب سرمایه نهادهای اقتصادی دارد، موجب تأثیرگذاری بر کل اقتصاد می‌شود (Wong & lee, 2009; Li, 2008).

3- پیشینه تحقیق

طبق بررسی‌های انجام شده، در خارج و داخل کشور پژوهش‌هایی به بررسی رابطه تسهیلات و رشد اقتصادی با رهیافت اقتصادسنجی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه در خارج از کشور، لوال و ایمام (2016) مطالعه‌ای را تحت عنوان بانکداری و رشد اقتصادی بر اساس مشاهدات تجربی کشور نیجریه انجام دادند. نتایج این پژوهش با استفاده داده‌های فصلی سری زمانی طی سال‌های 2012-2015 نشان داد که رابطه قوی مثبت بین تأمین مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی نیجریه وجود دارد (Lawal & Imam, 2016). احمد و احسان (2018) تأثیر تأمین مالی اسلامی بر رشد اقتصادی پاکستان را با استفاده از داده‌های سری زمانی طی سال‌های 2006-2015 را به صورت فصلی ارزیابی کردند. نتایج این مطالعه بیانگر وجود رابطه بلندمدت مثبت بین تأمین مالی و رشد اقتصادی کشور پاکستان بود (Ahmad & Ihsan, 2018). مرور مطالعات داخلی در این زمینه نیز به اختصار در بخش مقدمه بیان شده است.

FSAM در تعداد زیادی از تحقیقات خارجی تئوریک شده و برای تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی استفاده شده است. به عنوان مثال، لی (2008) در پژوهش خود با استفاده از داده‌های 2002 چین، FSAM را تدوین کرده و با کمک این ماتریس، جریان‌های مالی در اقتصاد چین را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه نشان داد که ضرایب فزاینده در تمام حساب‌ها (تولید، درآمد عوامل تولید و درآمد نهادهای داخلی جامعه) بیشتر از ضرایب فزاینده در SAM است. لی می‌گوید که این افزایش در ضرایب فزاینده در FSAM، نشان‌دهنده اثرات القایی از طریق پس‌اندازهای نهادی و کانال‌های مهم از این پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری فیزیکی بنگاه‌ها است (Li, 2008). وانگ و همکاران (2009) در مطالعه خود به بررسی ساختار کلی چارچوب FSAM و مفاهیم نظری آن پرداخته‌اند (Wong & lee, 2009). لانگ و سرچیو (2012) با ادغام جریان‌های مالی و درآمدی با ماتریس داده‌سازنده یک SAM و FSAM برای سال 2004 کانادا تدوین کرده‌اند. آن‌ها در این مطالعه به منظور ارزیابی میزان ارتباط بخش واقعی و مالی، ضرایب فزاینده SAM و FSAM را محاسبه و مقایسه کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که ضرایب فزاینده در FSAM به طور متوسط 4 درصد بیشتر از ضرایب فزاینده در SAM است (Leung & Secrieru, 2012). تواتی و خرابچی (2016) در مطالعه‌ای به ارزیابی تأثیرات تغییرات ساختاری در بخش مالی بر اقتصاد الجزایر با استفاده از FSAM پرداختند. بدین منظور FSAM برای اقتصاد الجزایر را برای سال‌های 2003 و 2011 تدوین کردند و تأثیر تغییرات ساختاری در بخش مالی بر تولید، درآمد و پس‌انداز را مورد بررسی قرار دادند (Touati & Kherbachi, 2016).

در میان پژوهش‌های داخل کشور FSAM تنها در دو مطالعه تدوین شده است. جوانبخت (1389) ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران را بر اساس اطلاعات سال 1380 به ابعاد 125 در 125 تدوین کرده است. در این مطالعه ماتریس حسابداری اجتماعی مالی به عنوان پایه آماری الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه مالی مورد استفاده قرار گرفته است (Javanbakht, 2009). در مطالعه‌ای دیگر بزازان و سیفی شهپر (1394) ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران را بر اساس اطلاعات سال 1378 تدوین کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که در تمام حساب‌ها، ضرایب فزاینده FSAM بزرگتر از ضرایب SAM است. همچنین در

FSAM با تزریق یک واحد در هر یک از اقلام برونزا، بخش فعالیت‌های واسطه‌گری مالی پس از بخش کشاورزی بیشترین افزایش درآمد را برای عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه در کل اقتصاد ایجاد می‌کند (Bazzazan & Seifi shahpar, 2015).

مرور مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که در ایران پژوهشگران توجه کمتری به ماتریس حسابداری اجتماعی مالی داشته‌اند. همچنین در خارج و داخل کشور گر چه رابطه تسهیلات با رشد اقتصادی با رهیافت اقتصادسنجی تحلیل شده ولی در هیچ مطالعه‌ای این رابطه به تفکیک بخش‌های اقتصادی از طریق FSAM مورد ارزیابی قرار نگرفته است. از این رو مطالعه حاضر بر آن است تا FSAM را برای اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های بهنگام‌شده سال 1397 و به شکل گسترده (ابعاد 257×257) تدوین کند و تاثیر تسهیلات اعطایی بانک‌ها را بر رشد فعالیت‌های اقتصادی را بررسی کند.

4- روش تحقیق

ساختار کلی ماتریس حسابداری اجتماعی مالی شامل سه ناحیه است. ناحیه یک این ماتریس دربرگیرنده مبادلات بخش واقعی اقتصاد است که با مبادلات SAM برابر است. ناحیه دوم تغییرات پس‌انداز و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و همچنین مبادلات سرمایه‌های را نشان می‌دهد. ناحیه سوم منطقه حساب مالی است که جریان دارایی‌ها و بدهی‌های مالی را نشان می‌دهد. این بخش نشان‌دهنده ارتباط بخشی واقعی و مالی اقتصاد است (Wong & Lee, 2009).

به منظور عملیاتی کردن ماتریس حسابداری اجتماعی مالی و محاسبه ضرایب فزاینده، همانند ماتریس حسابداری اجتماعی حساب‌های درونزا و برونزا باید از هم تفکیک گردند. حساب‌های درونزا شامل دو زیر حساب است: الف- حساب‌های طرف واقعی اقتصاد که شامل حساب تولید، حساب عوامل تولید و حساب جاری نهادها (خانوارها، شرکت‌های مالی و شوکت‌های غیرمالی) می‌باشند. ب- حساب‌های طرف مالی اقتصاد که شامل حساب سرمایه (خانوارها، موسسات مالی، شرکت‌های غیرمالی) و حساب مالی (پول نقد و سپرده، اوراق بهادار، ذخیره فنی بیمه و سایر حساب‌ها) است. حساب‌های دولته بانک مرکزی، دنیای خارج، طلای پولی و حق برداشت مخصوص¹، ذخایر قانونی بانک مرکزی، وام‌ها و اوراق مشارکت دولتی نیز در قالب حساب‌های برونزا ارائه شده است. چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی مالی در قالب حساب‌های درونزا و برونزا در جدول (1) ارائه شده است.

جدول 1. چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی مالی در قالب حساب‌های درونزا و برونزا
منبع: (بزازان و سیفی شهپر، 1394)

Table 1. Social financial accounting matrix framework in the form of endogenous and exogenous accounts

Source: (Bazzazan and Seifi Shahpar, 2014)

حساب‌ها	حساب‌های درونزا	حساب‌های برونزا	کل
---------	-----------------	-----------------	----

¹ طلای پولی و حق برداشت مخصوص دارایی‌های مالی هستند که در قبال آنها هیچگونه بدهی مالی منظور نمی‌شود. مبادلات مربوط به طلای پولی شامل خرید و فروش طلا بین بانک‌های مرکزی است و مبادله آن مطابق با ترتیبات دوجانبه بین بانک‌های مرکزی یا در بازارهای سازمان یافته صورت می‌گیرد.

	سایر حسابها	حسابهای طرف مالی اقتصاد (F)	حسابهای طرف واقعی اقتصاد (R)		
Y^R	X^R	T^{RF}	T^{RR}	حسابهای طرف واقعی اقتصاد (R)	حسابهای درونزا
Y^F	X^F	T^{FF}	T^{FR}	حسابهای طرف مالی اقتصاد (F)	
Y^L	R	L^F	L^R	سایر حسابها	حسابهای برونزا
	Y^{L}	Y^{F}	Y^{R}	کل	

در ایه‌های جدول (1) بیانگر مفاهیم زیر هستند:

T^{RR} : ماتریس مبادلات متقابل میان حساب‌های طرف واقعی اقتصاد، T^{RF} : ماتریس دریافت-های حساب‌های طرف واقعی از حساب‌های طرف مالی اقتصاد، T^{FR} : ماتریس پرداخت‌های حساب‌های طرف مالی به حساب‌های طرف واقعی اقتصاد، T^{FF} : ماتریس مبادلات متقابل میان حساب‌های طرف مالی اقتصاد، X^R : ماتریس اقلام تزریقی حساب‌های برونزا در طرف واقعی اقتصاد (متغیرهای کلان سیاسی نظیر صادرات و مصرف دولت)، X^F : ماتریس اقلام تزریقی حساب‌های برونزا در طرف مالی اقتصاد (متغیرهای کلان سیاسی نظیر دریافت و پرداخت‌های مالی از دنیای خارج)، L^R : ماتریس اقلام نشتی‌های حساب‌های برونزا در طرف واقعی، L^F : ماتریس اقلام نشتی‌های حساب‌های برونزا در طرف مالی اقتصاد و R : ماتریس مبادلات میان حساب‌های برونزا با برونزا. ماتریس‌های Y^R و Y^F به ترتیب جمع درآمدهای حساب‌های درونزا در طرف واقعی و در طرف مالی اقتصاد را نشان می‌دهد. ماتریس‌های Y^{R} و Y^{F} نیز به ترتیب جمع هزینه حساب‌های درونزا در طرف واقعی و در طرف مالی اقتصاد را آشکار می‌کند همچنین Y^L و Y^{L} به ترتیب جمع درآمد و هزینه‌های سایر حساب‌ها را در کل اقتصاد نشان می‌دهد.

برای تبدیل ماتریس حسابداری اجتماعی مالی نشان داده شده در جدول (1) به یک الگوی تحلیلی بر اساس مطالعه وانگ و همکاران (2009) ابتدا ماتریس ضرایب مستقیم از تقسیم عناصر ماتریس‌های مربوط به حساب‌های درونزا بر جمع ستونی این عناصر بدست می‌آید (Wong & lee, 2009). ماتریس ضرایب مستقیم در رابطه (1) نشان داده شده است.

$$A^{FSAM} = \begin{bmatrix} A^{RR} & A^{RF} \\ A^{FR} & A^{FF} \end{bmatrix} \quad (1)$$

بنابراین بردار درآمدهای حساب‌های درونزا از خود این حساب‌ها و حساب‌های برونزا را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$\begin{bmatrix} Y^R \\ Y^F \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} A^{RR} & A^{RF} \\ A^{FR} & A^{FF} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} Y^R \\ Y^F \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} X^R \\ X^F \end{bmatrix} \quad (2)$$

به منظور ساده شدن تجزیه و تحلیل‌ها، ماتریس معکوس لئونتیف به صورت رابطه (3) نشان داده شده است.

$$(I - A^{FSAM})^{-1} = \begin{bmatrix} \alpha^{RR} & \alpha^{RF} \\ \alpha^{FR} & \alpha^{FF} \end{bmatrix} \quad (3)$$

$$\begin{bmatrix} Y^R \\ Y^F \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \alpha^{RR} & \alpha^{RF} \\ \alpha^{FR} & \alpha^{FF} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} X^R \\ X^F \end{bmatrix} \quad (4)$$

که در آن:

$$\alpha^{RR} = \left[I - (I - A^{RR})^{-1} A^{RF} A^{FR} \right]^{-1} (I - A^{RR})^{-1} \quad (5)$$

$$\alpha^{FF} = \left[I - A^{FR} (I - A^{RR})^{-1} A^{RF} \right]^{-1} \quad (6)$$

$$\alpha^{RF} = \alpha^{RR} A^{RF} \quad (7)$$

$$\alpha^{FR} = \alpha^{FF} A^{FR} (I - A^{RR})^{-1} \quad (8)$$

α^{RR} اثر افزایش یک واحد از اقلام تزییقی در طرف واقعی اقتصاد را بر افزایش تولید یا درآمد حساب‌های واقعی نشان می‌دهد. α^{FR} اثر افزایش یک واحد از اقلام تزییقی در طرف واقعی اقتصاد را بر افزایش پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری (در دارایی‌های مالی) حساب‌های طرف مالی اقتصاد را ارائه می‌کند. α^{RF} اثر افزایش یک واحد از اقلام تزییقی طرف مالی اقتصاد را بر افزایش تولید یا درآمد حساب‌های طرف واقعی اقتصاد نشان می‌دهد. α^{FF} اثر افزایش یک واحد از اقلام تزییقی طرف مالی اقتصاد را بر افزایش پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری (در دارایی‌های مالی) حساب‌های طرف مالی اقتصاد نشان می‌دهد. با استفاده از ضرایب فزاینده بدست آمده در ماتریس α^{RF} می‌توان اثر یک واحد تغییر در تسهیلات را بر تولید فعالیت‌ها را نشان داد. از آنجا که این روابط از الگوی تقاضای محور لئونتیف بدست آمده است، حاکی از آن است که با افزایش تسهیلات، منابع مالی در دسترس نهادهای اقتصادی-اجتماعی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب تقاضای مصرفی و سرمایه‌ای آن‌ها افزایش می‌یابد و تقاضای کالاها تحت تاثیر قرار می‌گیرد. نتیجه این امر افزایش تولید فعالیت-هاست که آن هم به نوبه خود هم باعث افزایش از نهادهای واسطه‌ای و افزایش میزان استفاده از عوامل تولید سایر فعالیت‌ها می‌شود. با افزایش درآمد صاحبان عوامل تولید دوباره تقاضای مصرفی و سرمایه‌ای آنها افزایش پیدا می‌کند و این چرخه دوباره مرتباً می‌شود.

3-1- بهنگام‌سازی جدول داده-ستانده

همانگونه که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد برای تدوین بخش‌های مبادلات طرف واقعی ماتریس حسابداری اجتماعی مالی نیاز است که از جدول داده ستانده استفاده شود. این جدول به علت وجود وقفه زمانی بین سال پایه آماری و سال انتشار آن‌ها، نیاز است که بهنگام‌سازی و به‌روز شوند. در گزارش راهنمای جداول عرضه، مصرف و داده - ستانده سازمان آمار اروپا (2008) به کشورهای عضو این اتحادیه پیشنهاد می‌شود تا جداول عرضه و مصرف خود را به صورت سالیانه به قیمت‌های جاری و ثابت همراه با جدول واردات به صورت جداگانه بهنگام کرده و هر پنج سال یکبار به صورت آماری تهیه گردند و محاسبه جداول متقارن متناسب با کارکرد تحلیلی، بر عهده کاربران جدول گذاشته شود (Eurostat, 2008؛ Mokhtari Asi Shoti & Sherkat, 2016). بنابراین این مطالعه نیز بر آن است تا جدول عرضه و مصرف بهنگام شده اقتصاد ایران را برای سال 1397 تدوین کند و از آن برای تکمیل ماتریس حسابداری اجتماعی مالی بهره بگیرد.

تیمورشوو و تیمر (2011) روش راس عرضه و مصرف را برای هماهنگ‌سازی جداول عرضه و مصرف معرفی کرده‌اند. این روش بسیار شبیه به روش راس تعمیم‌یافته است که توسط جونوس و استرهاون (2003) معرفی شده و در گروه روش‌های تعدیل دو نسبتی قرار می‌گیرد. در این روش، ستانده محصولی به صورت درون‌زا تعیین می‌شود. علاوه بر این ویژگی، روش راس عرضه و مصرف می‌تواند جداول عرضه و مصرف را به طور یکپارچه و هم‌زمان هماهنگ کند. آن‌ها نتایج به دست آمده از روش خود را با نتایج به دست آمده از روش‌های اتحادیه اروپا و یوکلیمز (که به ستانده محصولی نیازی ندارند) مقایسه کرده و نشان می‌دهند که روش مذکور نتایج قابل قبول‌تری را به دست می‌دهد (Temurshoev, & Timmer, 2011؛ Junius & Oosterhaven, 2003). در ادامه، روش راس عرضه و مصرف توضیح داده می‌شود.

تابع هدف روش راس عرضه و مصرف مشابه تابع هدف روش راس تعمیم‌یافته است با این تفاوت که در روش راس عرضه و مصرف، سه بردار تعدیل‌کننده به طور وابسته امکان هماهنگ‌سازی یکپارچه جداول عرضه

و مصرف را فراهم می‌کنند، در حالی که در روش راس تعمیم‌یافته چهار بردار تعدیل‌کننده وجود دارد که دو به دو و مستقل از یکدیگر در هماهنگ‌سازی استفاده می‌شوند. داده‌هایی که از سال مقصد در دسترس هستند عبارتند از بردار ستانده فعالیتی (xb) ، بردار ارزش افزوده کل فعالیتی (vb) ، بردار تقاضای نهایی کل (yb) و جمع واردات محصولی (M) . هدف پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان با کمک داده‌های مذکور از سال مقصد و جدول عرضه و مصرف سال پایه، برآورد سازگار و مناسبی از جدول سال هدف داشت. به منظور پاسخ بهتر به این سؤال در ابتدا چارچوب جداول عرضه و مصرف به صورت یکپارچه در نظر گرفته می‌شود.

جدول 2. چارچوب یکپارچه جداول عرضه و مصرف منبع: (تیمورشو و تیمر، 2011)

Table 2. Integrated framework of supply and use tables Source: (Temurshoev and Timmer, 2011)

جمع	تقاضا (f)	فعالیت (s)	کالا و خدمات (p)	کالا و خدمات (p)
q_b	تقاضای نهایی (Y_b)	مصرف واسطه‌ای (U_b)	0	کالا و خدمات (p)
x_b	0	0	ماتریس ساخت (V_b)	فعالیت (s)
M	0'	0'	بردار واردات (m')	واردات (m)
	y_b'	$u_b = x_b - v_b'$	q_b'	جمع

این جدول چارچوب یکپارچه جداول عرضه و مصرف را نشان می‌دهد، f, s, p و m به ترتیب نشان‌دهنده تعداد اعضای محصولات، فعالیت‌ها، تقاضای نهایی و مجموعه واردات کل است. براساس جدول

$$(2) \text{ رابطه } U_b + Y_b = q_b = V_b' + m \text{ بیانگر برابری جمع عرضه و مصرف محصولی است و رابطه}$$

$$U_b' + v_b = x_b = V_b \text{ بیانگر برابری جمع داده‌های مصرف واسطه و ارزش افزوده با ستانده فعالیتی است. ماتریس A نیز نشان‌دهنده عناصر سال پایه است و به صورت زیر تعریف می‌شود:}$$

$$A = \begin{pmatrix} 0 & \bar{U}_0 \\ \bar{V}_0 & 0 \end{pmatrix} \quad (9)$$

در این عبارت $\bar{U}_0 = (U_0, Y_0)$ و $\bar{V}_0 = (V_0', m_0)'$ به ترتیب بیانگر ماتریس‌های

مصرف و عرضه است. هدف تخمین ماتریس X ، برآوردی از ماتریس A است، بطوریکه در ماتریس تخمین زده شده (X) بردارهای عرضه و مصرف محصولی و فعالیتی برابر باشند یا به عبارتی جدول محاسبه شده تراز باشد. با فرض اینکه α_{ij} درایه‌های ماتریس سال مبدا و x_{ij} درایه‌های ماتریس بهنگام شده باشند، Z_{ij} به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Z_{ij} = \begin{cases} \frac{x_{ij}}{\alpha_{ij}} & \text{for } \alpha_{ij} \neq 0 \\ 1 & \text{for } \alpha_{ij} = 0 \end{cases} \quad (10)$$

با توجه به اینکه $x_{ij} = z_{ij} \alpha_{ij}$ به ازای هر i و j ملاحظه می‌شود که x_{ij} و α_{ij} هم علامت‌اند.

این عبارت متضمن حفظ علامت عناصر در سال پایه و مقصد است. همچنین سه مجموعه شامل $I = \{p\}$

بیان می‌شود. $II = \{s, f\}$ و $III = \{s, m\}$ تعریف می‌شود. مسئله بهینه سازی این روش به صورت زیر

$$\min \sum_i \sum_j |\alpha_{ij}| \left(z_{ij} \ln \left(\frac{z_{ij}}{e} \right) + 1 \right)$$

s.t

$$\sum_{j \in II} \alpha_{pj} z_{pj} - \sum_{k \in III} \alpha_{kp} z_{kp} = 0 \quad \text{for all } p \in I \quad (11)$$

$$\sum_{k \in I} \alpha_{kj} z_{kj} = \bar{u}_j \quad \text{for all } j \in II$$

$$\sum_{p \in I} \alpha_{ip} z_{ip} = \bar{x}_i \quad \text{for all } i \in III$$

قید اول این مسئله برابری جمع عرضه و مصرف محصولی را تضمین می‌کند و در نتیجه بردار ستانده محصولی به صورت درونزا تعیین می‌شود $(U_i + Y_i = V_i + m)$. قید دوم تضمین‌کننده برابری مجموع ستونی ماتریس مصرف و تقاضای نهایی تخمین زده شده با مقدار متناظر آن‌ها در سال مقصد است. قید سوم تضمین‌کننده برابری مجموع سطری ماتریس ساخت تخمین زده شده با مقدار متناظر آن در سال مقصد است. با توجه به اینکه احتمال وجود عناصر منفی در ماتریس تقاضای نهایی وجود دارد، ابتدا ماتریس \bar{U}_0 را به صورت تقاضا $\bar{U}_0 = P - N$ نوشته می‌شود که در آن P و N هر دو ماتریس‌های نامنفی‌اند:

$$P = P_{ij} = \begin{cases} \alpha_{ij} & \alpha_{ij} > 0 \\ 0 & \alpha_{ij} = 0 \end{cases} \quad (12)$$

$$N = N_{ij} = \begin{cases} -\alpha_{ij} & \alpha_{ij} < 0 \\ 0 & \alpha_{ij} = 0 \end{cases} \quad (13)$$

در این صورت تابع لاگرانژ برای حل این مسئله به فرم زیر خواهد بود:

$$L = \sum_{(i,j) \notin N_0} \alpha_{ij} \left(z_{ij} \ln \left(\frac{z_{ij}}{e} \right) + 1 \right) - \sum_{(i,j) \in N_0} \alpha_{ij} \left(z_{ij} \ln \left(\frac{z_{ij}}{e} \right) + 1 \right) +$$

$$\sum_{p \in I} \lambda_p \left(\sum_{k \in I} \alpha_{kp} z_{kp} - \sum_{j \in II} \alpha_{pj} z_{pj} \right) + \sum_{j \in II} \tau_j \left(\bar{u}_j - \sum_{k \in I} \alpha_{kj} z_{kj} \right) +$$

$$\sum_{i \in III} \mu_i \left(\bar{x}_i - \sum_{p \in I} \alpha_{ip} z_{ip} \right) \quad (14)$$

با حل رابطه فوق ضرایب لاگرانژ λ_p ، τ_j و μ_i بدست آمده و مقادیر z بر اساس ضرایب لاگرانژ به صورت زیر تعریف می‌شوند.

$$z_{pj} = \begin{cases} e^{\lambda_p} e^{\tau_j} & \text{if } \alpha_{pj} \geq 0 \quad \text{for all } p \in I \text{ and all } j \in II \\ e^{-\lambda_p} e^{-\tau_j} & \text{if } \alpha_{pj} < 0 \quad \text{for all } p \in I \text{ and all } j \in II \end{cases} \quad (15)$$

$$z_{ip} = e^{\mu_i} e^{-\lambda_p} \quad \text{for all } i \in III \text{ and } p \in I \quad (16)$$

در صورت وجود اطلاعات بیشتر در سال مقصد مثلا وجود بردار اجزای تقاضا نظیر صادرات و مصرف خانوارها به تفکیک کالاها و همچنین بردار واردات کالاها می‌توان با تعدیل قید اول، الگوی بهینه-سازی (رابطه 11) را بر اساس کلیه اطلاعات موجود انجام داد. بدین منظور فقط قید اول به شکل رابطه (17) وارد الگوی بهینه‌سازی می‌شود که در آن m_p بردار واردات کالاها و e_p اجزای تقاضا برای سال مقصد است.

$$\sum_{j \in II} \alpha_{pj} z_{pj} - \sum_{k \in III} \alpha_{kp} z_{kp} = m_p - e_p \quad \text{for all } p \in I \quad (17)$$

2-3- پایه‌های آماری

برای تدوین جدول داده ستانده بهنگام شده سال 1397¹، ابتدا بردارهای تقاضای نهایی خانوارها، تقاضای نهایی دولت، تشکیل سرمایه، صادرات و واردات به صورت مجزا محاسبه می‌شود. از آنجا که در جداول داده ستانده تقسیم‌بندی کالاها و خدمات بر اساس کدهای طبقه‌بندی CPC² Ver.2 می‌باشد، بردارهای نامبرده بر اساس این کدها باید محاسبه گردند. تقاضای نهایی خانوار، هزینه مصرف کالاها و خدمات توسط خانوارها است. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه مصرف نهایی خانوارها از طرح آمارگیری از هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال 1397 بر اساس کدهای شش رقمی COICOP³ به تفکیک ده دهک شهری و ده دهک روستایی استخراج و پس از تطبیق با کدهای CPC به 126 گروه کالا و خدمات تفکیک شد. اطلاعات واردات کالاها از گمرک جمهوری اسلامی ایران به تفکیک کدهای 8 رقمی HS⁴ (5353 کد) دریافت و با کدهای CPC انطباق داده شدند. بردار صادرات نیز به تفکیک 4299 کد HS کالاهای صادراتی از گمرک استخراج و جمع و تطبیق داده شدند. همچنین برآورد صادرات نفت خام و میعانات گازی به ترتیب از مرکز آمار و اطلاعات بانک مرکزی و سازمان توسعه و تجارت صورت گرفت. اطلاعات صادرات و واردات خدمات به تفکیک اقلام از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت شد. آمار کل مصرف نهایی دولت از اطلاعات عملکرد بودجه دولت در سال 1397 محاسبه گردید. تشکیل سرمایه ثابت به تفکیک ماشین‌آلات، ساختمان، دارائی‌های پرورش داده شده، اکتشافات معدنی، نرم افزارهای کامپیوتری، نسخه‌های اصلی آثار ادبی، هنری و نمایشی و سایر از حساب‌های ملی مرکز آمار بدست آمد. در نهایت اطلاعات ستانده، ارزش افزوده و مصرف واسطه‌ای هر یک فعالیت‌ها از حساب‌های ملی مرکز آمار جمع‌آوری شده و با تدوین الگوی بهینه‌سازی پیشنهاد شده توسط تیمورشو و تیمر (2011)، جداول عرضه و مصرف سال 1390 برای سال 1397 بهنگام شد.

بعد از بهنگام‌سازی جداول عرضه و مصرف، ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران به ابعاد 268*268 با در نظر گرفتن 126 کالا و خدمت، 79 فعالیت، 3 عامل تولید (نیروی کار، زمین و سرمایه)، 20 دهک خانوار (10 دهک شهری و 10 دهک روستایی) و 8 ابزار مالی (طلا، پولی و حق برداشت

¹ با توجه به اینکه داده‌های مورد نیاز برای بهنگام‌سازی جداول عرضه و مصرف ایران تا سال 1397 وجود داشت، همین سال به‌عنوان سال مبنای بهنگام‌سازی در نظر گرفته شد.

² Central Product Classification

³ Classification of Individual Consumption According to Purpose

⁴ Harmonized System

مخصوص، پول نقد و سپرده‌ها، اوراق مشارکت دولتی، سهام، وام‌ها، ذخایر قانونی، ذخایر فنی بیمه و سایر حساب‌های دریافتی/پرداختی تدوین شد. در تدوین این ماتریس از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران، ترازنامه بانک مرکزی، گزارشات سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، گزارش عملکرد بودجه دولت، گزارش سازمان خصوصی‌سازی، صورت‌های مالی بانک‌های کشور، گزارش عملکرد نظام بانکی بانک مرکزی، حساب‌های ملی بانک مرکزی و بانک هزینه وزارت جهاد کشاورزی بهره گرفته شده است.

5- نتایج و بحث

بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران در سال 1397 مخارج مصرفی خانوارها، دولت و صادرات کل در سال 1397 به ترتیب برابر با 10848، 2347 و 5976 هزار میلیارد ریال بوده است. در بخش تشکیل سرمایه ثابت، تقاضای سرمایه‌های خانوارها، دولت، شرکت‌های مالی و شرکت‌های غیر مالی به ترتیب برابر با 2276، 678، 78 و 4244 هزار میلیارد ریال می‌باشد. به عبارتی شرکت‌های غیر مالی با سهم 58/3 درصدی در سرمایه‌گذاری اقتصاد ایران، بخش اصلی تشکیل سرمایه ثابت را بر عهده دارند و سهم خانوارها، دولت و شرکت‌های مالی در این زمینه به ترتیب 31/2، 9/3 و 1/07 درصد است. پس‌انداز خانوارها، دولت، شرکت‌های مالی، شرکت‌های غیر مالی و دنیای خارج در سال 1397 به ترتیب 4451، 3307، 1524، 6711 و 3128- هزار میلیارد ریال است. منفی بودن پس‌انداز دنیای خارج حاکی از آن است که اقتصاد ایران در سال 1397 بدهی ارزی نداشته و معادل 3128 هزار میلیارد ریال پس‌انداز ارزی داشته است. شرکت‌های غیر مالی بیشترین میزان پس‌انداز در اقتصاد را (حدود 42 درصد پس‌انداز داخلی) دارا می‌باشند. خانوارها از این نظر با سهم 28 درصدی در رتبه دوم قرار دارند.

بررسی وضعیت تسهیلات دریافتی نهادها حاکی از آن است که خانوارها بیشترین میزان تسهیلات را در سال 1397 دریافت کرده‌اند. بطوریکه خانوارها در این سال 89 هزار میلیارد ریال به عنوان تسهیلات جاری و 1034 هزار میلیارد ریال تسهیلات سرمایه‌های دریافت کرده‌اند. شرکت‌های غیر مالی بعد از خانوارها بیشترین میزان دریافت تسهیلات را داشته‌اند و 1050 هزار میلیارد ریال تسهیلات را به خود اختصاص داده‌اند. شرکت‌های مالی نیز در این سال 231 هزار میلیارد ریال تسهیلات دریافت کرده‌اند و در رتبه سوم قرار دارند. دولت و دنیای خارج نیز در سال 1397 به ترتیب 152 و 107 هزار میلیارد ریال دریافت کرده‌اند. بررسی حساب مالی و ام‌ها نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های مالی نقش اصلی را در تأمین تسهیلات داشته‌اند. بطوریکه 2558 هزار میلیارد ریال از تسهیلات را شرکت‌های مالی فراهم کرده‌اند و دولت عمومی 113 هزار میلیارد ریال تسهیلات اعطا کرده است.

جهت بررسی تأثیر تسهیلات بر رشد فعالیت‌های اقتصادی، با تفکیک حساب‌های درون‌زا و برون‌زا (مطابق بخش مواد و روش‌ها)، ضرایب فزاینده حسابداری اجتماعی مالی محاسبه شده است و نتایج ضرایب فزاینده تسهیلات در جداول 3 و 4 گزارش شده است. همانطور که بدان اشاره شد خانوارها تسهیلات جاری و سرمایه‌های دریافت کرده‌اند و سایر نهادها فقط تسهیلات سرمایه‌های داشته‌اند. در راستای تحلیل تأثیر میزان تأثیر تسهیلات اعطایی به هر یک نهادها، هر یک از خانوارهای شهری و روستایی به سه گروه درآمدی کم، میانه و بالا تقسیم شده‌اند. بطوریکه گروه درآمدی کم، 4 دهک اول، گروه درآمدی میانه، 4 دهک میانی و گروه درآمدی بالا 2 دهک نهایی را شامل می‌شوند. همچنین به جهت سهم بالای شرکت‌های غیر مالی در دریافت تسهیلات سرمایه‌ای فقط نتایج ضرایب این نهاد گزارش شده است.

ضرایب فزاینده اعطای تسهیلات جاری به خانوارها در جدول 3 گزارش شده است. تسهیلات جاری از طریق حساب وام‌ها به حساب جاری خانوارها پرداخت می‌شود و خانوارها این تسهیلات را صرف تقاضای نهایی از کالاها و خدمات، پرداختی به سایر خانوارها و دولت می‌کنند ولی تقاضای نهایی از کالاها و خدمات سهم اصلی را هزینه‌های خانوارها دارد. بدلیل اینکه خانوارهای شهری و روستایی و همچنین گروه‌های درآمدی هر یک از آن‌ها ترکیب تقاضا و سبب مصرفی متفاوتی دارند، اعطای تسهیلات به آن‌ها می‌تواند جریان متفاوتی از تقاضا و تحریک تولید فعالیت‌های مختلف داشته باشد. مطابق سطر اول جدول 3 اگر دریافتی برون‌زای گروه‌های کم درآمد خانوارهای شهری در اثر افزایش تسهیلات به میزان 1000 ریال افزایش یابد، تولید فعالیت

زراعت به میزان 171 ریال افزایش پیدا خواهد کرد. اثر تزریق منابع مالی به گروه های میانه و بالا نیز افزایش تولیدی معادل 120 و 98 ریال برای زراعت به همراه خواهد داشت. در گروه های کم، میانه و بالا درآمد خانوارهای روستایی نیز افزایش تسهیلات به میزان 1000 ریال، افزایش تولید زراعت به میزان 195، 140 و 130 ریال به در پی خواهد داشت. علت این تفاوت بین ضرایب فزاینده خانوارهای شهری و روستایی و همچنین گروه های درآمدی را قانون انگل می تواند تشریح کند. بر اساس این قانون سهم مخارج غذا در خانوارهای کم درآمد بیشتر از خانوارهای پردرآمد است و از این رو این خانوارها درصد بیشتری از مبلغ دریافتی را صرف مواد غذایی می کنند و بدین ترتیب تاثیر بیشتری بر تولید فعالیت های مرتبط با غذا می گذارند. در مورد محصولات غذایی در سطر هفتم جدول 3 نیز این مسئله صدق می کند.

ضرایب فزاینده خانوارها شهری و روستایی در مورد فعالیت باغداری رفتار متفاوتی نسبت به فعالیت زراعت دارند. بطوریکه در خانوارهای شهری سرعت کاهش ضرایب فزاینده با افزایش گروه های درآمدی، نسبت به فعالیت زراعت کمتر است. دلیل این مسئله، آن است که علی رغم کم تر بودن سهم محصولات باغی در هزینه نهایی خانوارهای گروه درآمدی بالا، کالاهای لوکسی در این رشته فعالیت وجود دارد که خانوارهای گروه درآمدی بالا بیشترین تقاضا از آن ها را دارند. در خانوارهای روستایی سهم محصولات فعالیت باغی در گروه های مختلف تقریباً یکسان است و هر سه گروه ضرایب فزاینده مشابه دارند.

بر اساس ارقام مندرج در جدول 3 می توان تاثیر اعطای تسهیلات به هر یک از گروه های درآمدی خانوارهای شهری و روستایی و تاثیر آن بر تولید سایر فعالیت ها و کل اقتصاد را مشابه آنچه در مورد دو بخش زراعت و باغداری بیان شد، بررسی کرد. بطور مثال اعطای تسهیلات جاری به خانوارهای گروه درآمدی بالای شهری، بیشترین تاثیر را بر تولید فعالیت های عمده فروشی و خرده فروشی، ساختمان و تولید محصولات غذایی دارد و در مجموع مطابق ردیف آخر جدول 3، هر واحد تسهیلات به خانوارهای کم درآمد شهری باعث ایجاد 2/329 ریال افزایش ارزش تولید کل اقتصاد ایران می شود. مقایسه ضرایب فزاینده خانوارهای در ردیف ماقبل آخر جدول 3، دو نکته را نشان می دهد. اول اینکه ضرایب فزاینده گروه های درآمدی شهری نسبت به گروه متناظر خود در خانوارهای روستایی بیشتر است و دوم اینکه با افزایش گروه درآمدی ضرایب فزاینده تولیدی خانوارها کاهش پیدا می کند. به عبارت دیگر ترکیب تقاضای نهایی خانوارهای شهری نسبت به خانوارهای روستایی و همچنین خانوارهای گروه های درآمدی پایین نسبت به گروه های درآمدی بالا، مولدتر است و تبعات تولیدی بیشتری برای اقتصاد کلان دارد. ردیف آخر جدول 3 اثر اعطای یک واحد تسهیلات جاری به خانوارها را بر ارزش افزوده کل اقتصاد نشان می دهد. به عبارت دیگر این ارقام بیانگر رشد درآمد عوامل تولید (نیروی کار، زمین و سرمایه) ناشی از پرداخت تسهیلات جاری به خانوارها می باشد. این اعداد از جمع ضرایب فزاینده عوامل تولید حاصل شده است. همانطور که دیده می شود اگر دریافتی برونزای گروه های کم درآمد خانوارهای شهری در اثر افزایش تسهیلات جاری به میزان 1000 ریال افزایش یابد، درآمد عوامل تولید 1440 ریال افزایش می یابد. این رقم برای خانوارهای شهری گروه میانه و بالا و گروه های درآمدی خانوارهای روستایی به ترتیب برابر با 1300، 1290، 1310، 1180 و 1170 ریال است.

جدول 3. ضرایب فزاینده اعطای تسهیلات جاری به خانوارها
منبع: (محاسبات تحقیق)

Table 3. Multiplier of facilities to households
Source: (research calculations)

خانوارهای روستایی			خانوارهای شهری			فعالیت‌ها
بالا	میان	کم	بالا	میان	کم	
0/130	0/140	0/195	0/098	0/120	0/171	زراعت
0/043	0/042	0/042	0/040	0/043	0/047	باغداری
0/122	0/126	0/158	0/092	0/107	0/143	دامداری
0/001	0/001	0/001	0/001	0/001	0/001	چنگلداری
0/013	0/011	0/011	0/011	0/010	0/009	ماهیگیری
0/133	0/139	0/157	0/167	0/163	0/182	استخراج معدن
0/220	0/244	0/334	0/180	0/215	0/298	تولید محصولات غذایی
0/005	0/006	0/007	0/005	0/005	0/007	تولید انواع آشامیدنی‌ها
0/003	0/004	0/005	0/002	0/003	0/005	تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو
0/070	0/065	0/069	0/057	0/061	0/070	تولید پوشاک و چرم و منسوجات
0/027	0/024	0/020	0/027	0/026	0/022	تولید چوب و محصولات چوبی
0/024	0/027	0/031	0/023	0/026	0/033	تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی
0/128	0/131	0/141	0/125	0/132	0/141	تولید کک، فرآورده‌های حاصل از پالایش
0/101	0/108	0/130	0/097	0/107	0/126	تولید مواد شیمیایی
0/055	0/055	0/049	0/056	0/056	0/052	تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی
0/117	0/114	0/086	0/114	0/113	0/091	تولید فلزات پایه و محصولات فلزی
0/023	0/021	0/019	0/021	0/021	0/020	تولید محصولات الکترونیکی
0/060	0/057	0/039	0/059	0/057	0/042	تولید وسایل نقلیه موتوری
0/012	0/009	0/008	0/011	0/009	0/008	تولید مبلمان
0/075	0/082	0/101	0/071	0/080	0/099	تأمین برق، گاز، بخار
0/153	0/161	0/101	0/181	0/171	0/104	ساختمان
0/236	0/243	0/277	0/296	0/290	0/326	عمده و خرده فروشی
0/145	0/136	0/134	0/172	0/170	0/175	حمل و نقل و انبارداری
0/030	0/027	0/027	0/033	0/031	0/032	فعالیت تأمین جا و غذا
0/040	0/041	0/046	0/051	0/049	0/055	اطلاعات و ارتباطات

0/051	0/048	0/045	0/056	0/056	0/055	فعالیت‌های مالی و بیمه
0/060	0/064	0/082	0/105	0/095	0/116	املاک و مستغلات
0/016	0/016	0/017	0/019	0/019	0/020	فعالیت‌های حرفه‌ای
0/049	0/046	0/047	0/055	0/052	0/054	اداره امور عمومی
0/022	0/020	0/021	0/037	0/031	0/031	آموزش
0/067	0/059	0/067	0/067	0/065	0/074	سایر فعالیت‌ها
2/230	2/266	2/464	2/329	2/387	2/611	جمع رشته فعالیت‌ها
1/17	1/18	1/31	1/29	1/30	1/44	ارزش افزوده

ضرایب فزاینده اعطای تسهیلات سرمایه‌ای به هر یک از گروه‌های خانوارهای شهری و روستایی و همچنین شرکت‌های غیر مالی که سهم اصلی را در دریافت تسهیلات دارند، محاسبه شده و در جدول 4 گزارش شده است. این تسهیلات به حساب سرمایه نهادها پرداخت می‌شود و خانوارها آن را صرف تقاضای سرمایه‌ای از کالاها و خدمات، انتقالات سرمایه‌ای بین نهادها و همچنین سرمایه‌گذاری مالی شامل پول نقد و سپرده بانکی، خرید سهام، خرید اوراق دولتی و ذخایر فنی بیمه می‌کنند. شرکت‌های غیر مالی نیز به همین ترتیب تسهیلات دریافتی را صرف تقاضای سرمایه‌ای از کالاها، پرداختی به حساب سرمایه‌های سایر نهادها، سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج و سرمایه‌گذاری مالی می‌کنند. تفاوت در سبب سرمایه‌گذاری فیزیکی و مالی گروه‌های درآمدی خانوارها و شرکت‌های غیر مالی موجب می‌شود که اعطای هر واحد تسهیلات به این نهادها، تبعات تولیدی متفاوتی داشته باشد. بطور مثال اگر به هر یک از گروه‌های درآمدی کم، میانه و بالای شهری و همچنین گروه‌های درآمدی کم، میانه و بالای روستایی و شرکت‌های غیر مالی، 1000 ریال تسهیلات سرمایه‌ای اعطای شود، تبعات تولیدی این تسهیلات برای ستانده صنایع غذایی (سطر هفتم) به ترتیب برابر است با 23، 67، 64، 35، 73، 70 و 80 ریال است. به عبارتی برای افزایش تولید محصولات غذایی اعطای تسهیلات به شرکت‌های غیر مالی بیشترین تاثیر را دارد. در بین گروه‌های درآمدی خانوارها اعطای تسهیلات سرمایه‌ای، بیشترین تاثیر را در فعالیت ساختمان دارد. به طوری که اعطای یک واحد تسهیلات به گروه‌های درآمدی شهری و روستایی به ترتیب 0/172، 0/336، 0/350، 0/160، 0/324 و 0/294 ریال، تولید فعالیت ساختمان را افزایش خواهد داد. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که خانوارها تسهیلات سرمایه‌ای را اغلب به مصرف کالاهای سرمایه‌ای نظیر ساختمان می‌رسانند. در مورد شرکت‌های غیر مالی، هر واحد تسهیلات سرمایه‌ای بیشترین تاثیر را بر تولید کک، فرآورده‌های حاصل از پالایش، ساختمان، تولید فلزات پایه و محصولات فلزی و تولید محصولات غذایی دارد. در مجموع ضریب فزاینده اعطای تسهیلات به شرکت‌های غیر مالی 1/025 (ستون آخر و سطر ماقبل آخر) می‌باشد و اعطای هر واحد تسهیلات باعث ایجاد ارزش بیشتری در تولید کل نسبت به تسهیلات اعطایی به خانوارها می‌شود.

همانطور که در سطر ماقبل آخر جدول 3 مشاهده می‌شود، ضرایب فزاینده کل تولید برای خانوارهای گروه‌های درآمدی شهری و روستایی در اثر اعطای تسهیلات سرمایه‌ای به ترتیب برابر با 0/617، 1/515، 1/484، 0/856، 1/639 و 1/544 می‌باشد. در واقع ضریب فزاینده اعطای تسهیلات سرمایه‌ای به خانوارها به جز در گروه‌های درآمدی کم شهری و روستایی، در سایر گروه‌ها بزرگتر از یک است. مقایسه مجموع ضرایب فزاینده گروه‌های خانوارهای شهری و روستایی نتایج معکوس نتایج حاصله برای تسهیلات جاری را بدست می‌دهد. به طوری که اولاً ضرایب فزاینده گروه‌های درآمدی روستایی نسبت به گروه متناظر خود در خانوارهای شهری بیشتر است و دوم اینکه با افزایش گروه درآمدی ضرایب فزاینده تولیدی خانوارها افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر ترکیب سرمایه‌گذاری فیزیکی و مالی خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری و همچنین خانوارهای گروه‌های درآمدی بالا نسبت به گروه‌های درآمدی پایین، مولدتر است و تبعات تولیدی بیشتری برای اقتصاد کلان دارد. علت این نتایج آن است که در خانوارهای روستایی و همچنین در گروه‌های درآمدی بالا، سرمایه‌گذاری فیزیکی سهم بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری مالی دارد. این مسئله باعث می‌شود که تزریق منابع مالی به حساب خانوارهای روستایی و همچنین گروه‌های درآمدی بالا، جریان مستقیم و قوی‌تری از تقاضای فیزیکی را نسبت به سایر گروه‌ها ایجاد کند و به تبع اثرات تولیدی بیشتری در پی داشته باشد.

سطر آخر جدول 4 ضرایب فزاینده ارزش افزوده را در اثر افزایش یک واحد تسهیلات سرمایه‌ای نشان می‌دهد. بر اساس ارقام این سطر، هر واحد تسهیلات سرمایه‌ای به گروه‌های درآمدی شهری و روستایی و شرکت‌های غیر مالی به ترتیب باعث افزایش درآمد عوامل تولید به میزان 0/30، 0/73، 0/72، 0/42، 0/80، 0/75 و 0/37 ریال می‌شود.

مقایسه ارقام جدول 3 و 4 گویای آنست که اعطای هر واحد تسهیلات جاری بیشتر از تسهیلات سرمایه‌ای منجر به رشد تولید کل و رشد اقتصادی می‌شود. اما چنانچه ارقام به تفکیک بخش‌ها مقایسه گردد مشاهده می‌شود که اعطای تسهیلات سرمایه‌ای بطور نسبی اثر بیشتری بر تولید بخش‌هایی دارد که کالاهای آنها ماهیت سرمایه‌ای دارد می‌شوند. فعالیت‌های ساختمان، تولید وسایل نقلیه موتوری، ماشین آلات و سایر تجهیزات حمل و نقل، تولید فلزات پایه و محصولات فلزی و تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی و سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی جز این دسته از فعالیت‌ها می‌باشند.

جدول 4. ضرایب فزاینده اعطای تسهیلات سرمایه‌ای به خانوارها و شرکت‌های غیر مالی (محاسبات تحقیق)

Table 4. Multiplier of facilities to households and non-financial companies
Source: (research calculations)

شرکت‌های غیر مالی	خانوارهای روستایی			خانوارهای شهری			فعالیت‌ها
	بالا	میانه	کم	بالا	میانه	کم	
0/034	0/033	0/035	0/016	0/030	0/031	0/010	زراعت
0/053	0/036	0/034	0/021	0/026	0/028	0/014	باغداری
0/045	0/045	0/046	0/024	0/040	0/042	0/015	دامداری
0/001	0/001	0/001	0/001	0/001	0/001	0/000	چنگلداری
0/013	0/007	0/007	0/004	0/007	0/007	0/003	ماهگیری
0/073	0/088	0/094	0/047	0/082	0/084	0/032	استخراج معدن
0/080	0/070	0/073	0/035	0/064	0/067	0/023	تولید محصولات غذایی
0/011	0/002	0/002	0/001	0/002	0/002	0/001	تولید انواع آشامیدنی‌ها
0/010	0/001	0/001	0/000	0/001	0/001	0/000	تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو
0/029	0/018	0/020	0/009	0/017	0/017	0/005	تولید پوشاک و چرم و منسوجات
0/020	0/026	0/027	0/015	0/026	0/026	0/012	تولید چوب و محصولات چوبی
0/018	0/010	0/011	0/005	0/009	0/009	0/003	تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی
0/105	0/091	0/096	0/048	0/083	0/086	0/033	تولید کک، فرآورده‌های حاصل از پالایش
0/045	0/058	0/062	0/032	0/055	0/057	0/022	تولید مواد شیمیایی
0/024	0/056	0/059	0/030	0/057	0/057	0/025	تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی
0/084	0/151	0/161	0/081	0/127	0/135	0/042	تولید فلزات پایه و محصولات فلزی
0/013	0/019	0/023	0/030	0/018	0/019	0/010	تولید محصولات الکترونیکی
0/045	0/088	0/091	0/041	0/070	0/076	0/020	تولید وسایل نقلیه موتوری
0/010	0/008	0/008	0/004	0/007	0/008	0/003	تولید میلمان
0/066	0/048	0/050	0/027	0/044	0/046	0/018	تامین برقی، گاز، بخار
0/099	0/294	0/324	0/160	0/350	0/336	0/172	ساختمان
0/055	0/154	0/161	0/091	0/147	0/153	0/065	عمده و خرده فروشی
0/038	0/065	0/070	0/034	0/063	0/065	0/025	حمل و نقل و انبارداری
0/007	0/019	0/021	0/010	0/019	0/019	0/008	فعالیت تامین‌جا و غذا
0/010	0/023	0/025	0/014	0/022	0/023	0/011	اطلاعات و ارتباطات
0/014	0/034	0/036	0/018	0/034	0/034	0/014	فعالیت‌های مالی و بیمه
0/004	0/032	0/032	0/025	0/021	0/022	0/007	املاک و مستغلات
0/004	0/011	0/012	0/006	0/012	0/012	0/005	فعالیت‌های حرفه‌ای
0/011	0/029	0/031	0/016	0/028	0/029	0/011	اداره امور عمومی
0/002	0/010	0/010	0/005	0/009	0/009	0/003	آموزش
0/001	0/015	0/016	0/007	0/014	0/014	0/004	سایر فعالیت‌ها
1/025	1/544	1/639	0/856	1/484	1/515	0/617	جمع رشته فعالیت‌ها

0/37	0/75	0/80	0/42	0/72	0/73	0/30	ارزش افزوده
------	------	------	------	------	------	------	-------------

جهت بررسی ریالی تاثیر افزایش تسهیلات، به تسهیلات دریافتی نهادها در سال 1397، شوک 10 درصدی اعمال شد و بر اساس ضرایب فزاینده، میزان افزایش تولید و ارزش افزوده در سطح کلان اقتصادی محاسبه شد. نتایج این محاسبات در جدول 5 گزارش شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، در بخش تسهیلات جاری، اعمال شوک 10 درصدی در اعطای تسهیلات به خانوارهای شهری که در گروه درآمدی میانه قرار دارند، بیشترین میزان افزایش تولید (معادل 8803 میلیارد ریال) را در پی خواهد داشت. از دیدگاه رشد ارزش افزوده نیز در اثر اعمال این سیاست، خانوارهای شهری میانه نقش مؤثرتری را ایفا می‌کنند به طوریکه شوک 10 درصدی به تسهیلات دریافتی این گروه از خانوارها، رشد ارزش افزوده 4805 میلیارد ریالی معادل 0/019 درصد در پی خواهد داشت. در بخش تسهیلات سرمایه‌های نیز، به دلیل بالا بودن تسهیلات دریافتی دهک‌های بالای شهری و همچنین ضرایب فزاینده آن‌ها، اعمال شوک 10 درصدی در اعطای تسهیلات بیشترین میزان افزایش تولید را در پی دارد، بطوریکه شوک 10 درصدی تسهیلات سرمایه‌های خانوارهای گروه درآمدی بالا، باعث افزایش تولید به میزان 51610 میلیارد ریال می‌شود. این در حالی است که افزایش 10 درصدی تسهیلات سرمایه‌های برای خانوارهای گروه درآمدی بالا بیشترین رشد اقتصادی (0/099 درصد) را منجر می‌شود. افزایش تسهیلات سرمایه‌های شرکت‌های غیرمالی به میزان 10 درصد نیز باعث افزایش تولید در سطح اقتصاد کلان به میزان 112150 میلیارد ریال می‌شود. همچنین رشد اقتصادی در اثر اعمال این سیاست 0/162 درصد خواهد بود. در مجموع شوک 10 درصدی به تسهیلات جاری و سرمایه‌های به ترتیب باعث افزایش 0/05 و 0/43 درصدی ارزش افزوده در سطح کلان می‌شود.

جدول 5. نتایج افزایش تولید در اثر شوک 10 درصدی تسهیلات (میلیارد ریال)
منبع: (محاسبات تحقیق)

Table 5. The results of production increase as a result of a 10% facility shock (billions of Rials)
Source: (research calculations)

درصد رشد ارزش افزوده در اثر شوک سرمایه‌های	افزایش ارزش افزوده به ازای شوک تسهیلات سرمایه‌های	افزایش تولید به ازای شوک تسهیلات سرمایه‌های	درصد رشد ارزش افزوده به ازای شوک جاری	افزایش ارزش افزوده به ازای شوک تسهیلات جاری	افزایش تولید به ازای شوک تسهیلات جاری	تسهیلات سرمایه‌های 1397	تسهیلات جاری 1397	خانوارهای شهری	
								کم	میانه
0/018	4640	9545	0/006	1391	2517	154706	9642	کم	خانوارهای شهری
0/092	23254	47983	0/019	4805	8803	316675	36876	میانه	خانوارهای شهری
0/099	24944	51610	0/017	4331	7793	347796	33466	بالا	خانوارهای شهری
0/006	1511	3066	0/0004	113	213	35810	864	کم	خانوارهای روستایی
0/027	6878	14156	0/0019	476	911	86388	4020	میانه	خانوارهای روستایی
0/028	7043	14434	0/0021	529	1008	93503	4518	بالا	خانوارهای روستایی

0/162	40672	112150	-	-	-	1094230	-	شرکت‌های غیر مالی
0/43	108942	252944	0/05	11645	21245	2129108	89389	جمع

6- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از چالش‌های اساسی سال‌های اخیر در اقتصاد کشور وجود پدیده رکود تورمی است که با کاهش درآمد سرانه حقیقی و قدرت خرید خانوارها، سبب افت تقاضای کل در اقتصاد شده است. کاهش اجزای تقاضای کل و تداوم آن موجب آسیب دیدن توان تولیدی اقتصاد، کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی خواهد شد، بنابراین باید راهکاری اندیشه شود تا این رکود شکل گرفته در طرف تقاضای اقتصاد رفع شود. در این زمینه توسعه مالی و اعطای تسهیلات می‌تواند باعث تحریک تقاضا و ایجاد بسترهای لازم برای بازسازی فرایندهای تولید شود. از این رو هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیرپذیری رشد فعالیت‌های اقتصادی ایران از تسهیلات اعطایی به نهادهای اقتصادی-اجتماعی (شرکت‌های غیر مالی و خانوارها (به تفکیک گروه‌های درآمدی شهری و روستایی)) با تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی مالی ایران بود.

نتایج این پژوهش نشان داد که تحریک تقاضای جاری خانوارها با تسهیلات جاری و تحریک تقاضای سرمایه‌ای خانوارها و شرکت‌های غیرمالی با تسهیلات سرمایه‌ای باعث افزایش تولید فعالیت‌های اقتصادی در سطح مناسبی می‌شود. به طوری که ضریب فزاینده تسهیلات جاری خانوارها بزرگتر از 2 و ضریب فزاینده تسهیلات سرمایه‌ای خانوارها (به جز دهک درآمدی پایین) و شرکت‌های غیر مالی بزرگتر از یک است. با در نظر گرفتن درصد رشد افزوده نیز نتایج این پژوهش نشان دادند که با اعمال شوک بر تسهیلات بانکی، ارزش افزوده (درآمد عوامل تولید) افزایش پیدا می‌کند و اعطای تسهیلات سرمایه‌ای به نهادها و به ویژه شرکت‌های غیرمالی امکان افزایش رشد ارزش افزوده به میزان 0/16 درصد را فراهم می‌کند. بنابراین با اعطای تسهیلات و تامین اعتبارات برای نهادها می‌توان زمینه تحریک تقاضا را فراهم کرد و انتظار بهبود تولیدات فعالیت‌ها و کاهش رکود را داشت. در این زمینه می‌توان با اتخاذ تدابیر و راهکارهایی نظیر اعطای تسهیلات خرید به مصرف‌کنندگان، زمینه رونق واحدهای تولیدی را فراهم کرد. همچنین با تسهیل دریافت تسهیلات سرمایه‌ای برای خانوارها و شرکت‌های غیر مالی می‌توان به تحرک بخشی سمت عرضه کمک کرد.

با توجه به نتایج بدست آمده، در بخش تسهیلات جاری اعطای تسهیلات به خانوارهای شهری و همچنین خانوارهای گروه‌های درآمدی پایین شهری و روستایی و در بخش تسهیلات سرمایه‌ای اعطای تسهیلات به خانوارهای روستایی و خانوارهای گروه‌های درآمدی بالا، می‌تواند تبعات تولیدی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشته باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود در صورت امکان در اعطای تسهیلات به بخش خصوصی و خانوارها، گروه‌هایی که می‌تواند تأثیری بیشتری داشته باشند، هدف‌گذاری شوند. همچنین از آنجا که اعطای تسهیلات مختلف جاری یا سرمایه‌ای آثار متفاوتی بر تولید بخش‌های اقتصادی دارند، چنانچه رشد تولید بخش خاصی در اقتصاد مورد نظر است، نوع تسهیلات اعطایی متناسب با رشد آن بخش در نظر گرفته شود.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The author(s) received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

- Abounoori, A., & Teimoury, M. (2013). Investigation of the Effect of Financial Development on Economic Growth: A Comparative Study in OECD and UMI Countries. *Economic Growth and Development Research*, 3(11), 40-29. (in Persian). 20.1001.1.22285954.1392.3.11.3.5
- Ahmad, K., & Ihsan, A. (2018). Impact of Islamic finance on economic growth—empirical evidence from Pakistan. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, 9(7), 476-89.
- Ansari, V. (2009). *Determining sources of production growth and priority sectors of investment in Iran: an analysis in the framework of input-output tables and social accounting matrix*. PhD Thesis. University of Tehran. (in Persian).
- Awad, I. M., & Al Karaki, M. S. (2019). The impact of bank lending on Palestine economic growth: an econometric analysis of time series data. *Financial Innovation*, 5 (1), 1-21.
- Azizi, A., & Mehrabi Boshrabadi, H. (2015). Investigate the Effect of Agricultural Bank Payment Facilities on the Growth of Agricultural Sub-Sectors. *Rural Development Strategies*, 1(4), 1-11. (in Persian). <https://doi.org/10.22048/rdsj.2015.9614>
- Bazzazan, F., & Seifi Shahpar, Z. (2015). The Financial Social Accounting Matrix for Iran and Ita Applications. *Economics Research*, 15(59), 1-34. (in Persian). <https://doi.org/10.22054/joer.2016.1827>
- Branson, W. (2003). *Economic analysis methods and their application*. Tehran University Publications.
- Central Bank of Iran, (2021). National accounts of Iran. (in Persian).
- Chen, Y. F., Drezner, Z., Ryan, J. K., & Simchi-Levi, D. (2000). Quantifying the Bullwhip Effect in a Simple Supply Chain: The Impact of Forecasting, Lead Times and Information. *Management Science*, 46(2), 436-443.
- Cohen, J. (1963). Circular Flow Models in the Flow of Funds. *International Economic Review*, 4(2), 153-170.

- Cohen, J. (1968). Integrating the real and financial via the linkage of financial flow. *The Journal of Finance*, 23(1), 1-27.
- Dawson, J. C. (1958). A Cyclical Model for Postwar US Financial Markets. *The American Economic Review*, 145-157.
- Dezhpasand, F., & Bokharayee, R. (2016). An Evaluation between Financial Development and Economic Growth Based on Post-Keynesian Macro-Model. *Financial Economics*, 10(34), 59-92. (in Persian). https://ecj.ctb.iau.ir/article_523943.html
- Eurostat. (2008). Eurostat manual of supply, use and input-output tables. Eurostat methodologies and working papers.
- Fatthi Aghababa, M., Azizi, K., & Mahmmodzade, M. (2020). The Impact of Bank Facilities in Different Areas of Economy on the Growth of the Added Values in Industry, Services, Agriculture, Building Construction and Housing. *Economic Modelling*, 14(50), 77-102. (in Persian). 10.30495/ECO.2020.674218
- Feqhe Majidi, A., Ahmadzade, K., & Goudini, S. (2017). The Impacts of Liberalization and Financial Development on Economic Growth in OPEC Countries. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 5(17), 97-120. (in Persian). https://www.jmsp.ir/article_47924.html
- Goldsmith, R. W. (1969), *Financial Structure and Development*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Hadi Zonooz, B., & Bakhtiari, H. (2010). Factors Affecting the Calculation of Productivity of Factors of Production Case study: Carbon Co. in Iran. *Economics Research*, 10(37), 241-266. (in Persian). https://joer.atu.ac.ir/article_2777.html
- Hoshmand, M., & Daneshnia, M. (2012). Impact of Financial Development on Economic Growth in Iran. *Monetary & Financial Economics*, 18(2), 45-61. (in Persian). <https://doi.org/10.22067/pm.v18i2.27610>.
- Hosseinpoor Naderi, M., Alijani, F., & Nikoukar, A. (2022). The Impact of Bank Credits on Iranian Agricultural Growth. *Agricultural Economics and Development*, 29(4), 285-314. (in Persian). 10.30490/AEAD.2022.354141.1331
- Hossini, M., Ashrafi, Y., & Siami Araghi., E.(2012). The Review of Relationship between Financial Development and Economic Growth with Introducing New Variables. *Quarterly journal of researches and economic policies*. 19 (60) :19-34. (in Persian). URL: <http://qjerp.ir/article-1-184-fa.html>
- Iran Statistics Center, (2021). National accounts of Iran. (in Persian).

- Jafari Samimi A., Farhang, S., Rostamzadeh, M., & Mohammadzadeh, M. (2010) Impact of Financial Development and Trade Liberalization on Economic Growth in Iran. *Economic research*; 9 (4) :1-21. (in Persian). URL: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-2162-fa.html>
- Javanbakht, O. (2009). *The effectiveness of the growth of the agricultural sector and other economic sectors of Iran from reducing the interest rate of facilities and increasing the supply of facilities: a calculable general equilibrium model approach*, PhD thesis, University of Tehran. (in Persian).
- Javanbakht, O., & Salami, H. (2012). Comparing Effects of Two Policies Reducing Interest Rate and Increasing Supply of Credits on Growth of Production in Iran: A FCGE Analysis. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 26(4), 315-336. (in Persian). 10.22067/JEAD2.V139114.19900
- Junius, T., & Oosterhaven, J. (2003). The solution of updating or regionalizing a matrix with both positive and negative entries. *Economic Systems Research*, 15(1), 87-96.
- Kargarborzi, A., Jalai, S., & Pourrezaqoli, H. (2013). Investigating the effect of unemployment on the occurrence of crime in Kerman province (case study: robbery). *Kerman Police Science*, 1(9), 18-30. (in Persian).
- Khodadad Kashi, F. (2010), *Industrial Economy*, Tehran, Samt Publishing House. (in Persian).
- Klein, L. R., Klein, L. E., & Welfe, W. (1983). *Lectures in econometrics* (Vol. 22). North Holland.
- Kuzegari Mamqani, Z. (2013). Investigating profit planning and break-even analysis and levers, International Accounting and Management Conference, Tehran. (in Persian).
- Lawal, I. M., & Imam, U. B. (2016). Islamic finance and economic growth: Empirical evidence from Nigeria. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 7(16), 99-108.
- Leung, D., & Secieru, O. (2012). Real-financial linkages in the Canadian economy: an input–output approach. *Economic Systems Research*, 24(2), 195-223.
- Li, J. (2008). The financial social accounting matrix for China, 2002, and its application to a multiplier analysis. MPRA Paper No. 8174, posted 09 Apr 2008 04:47 UTC
- McKinnon, R. (1973). *Money and Capital in Economic Development*, Washington, DC The Brookings Institutions. Pp3-15.
- Mehrara, M., Ayin, S., & Hokallahi, Y. (2019). Impact of domestic credit and real interest rate on economic growth: Cases of Iran and Malaysia . *Journal of Islamic Economics and Banking*, 8 (26), 51-67. (in Persian). URL: <http://mieaoi.ir/article-1-191-fa.html>

- Mohamadnejad, N., Fetras, M., & Masoumi, M. (2015). Analysis of the Association between Bank Credit and Economic Growth. *Monetary & Financial Economics*, 22(10), 1-21. (in Persian). <https://doi.org/10.22067/pm.v22i10.41270>
- Mokhtari Asl Shoti, A., & Sherkat, A. (2016). A Study on Various Methods of Updating Supply and Use Tables and Their Applications for Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 21(68), 207-239. (in Persian). <https://doi.org/10.22054/ijer.2016.7501>
- Moradi, I., Ghaffari Ismaili, M., & Ahmadi, A. (2017). The effect of the growth of banking facilities on economic growth and investment in Iran. *Monetary and banking research*. 11(35), 1-24. (in Persian). https://jmbr.mbri.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-726-1&slc_lang=fa&sid=1
- Robinson, S. (1991). Macroeconomics, financial variables, and computable general equilibrium models. *World development*, 19(11), 1509-1525.
- Roe, A. R. (1985). The flow of funds as a tool of analysis in developing countries. G. Pyatt and JI Round (eds), 70-83.
- Saidi, P., Abbasi, I. (2012). The effect of commercial bank facilities on economic growth (case study of Golestan province). *Management Quarterly*, 8(23), 14-22. (in Persian).
- Sayehmiri, A., Omidi, M., & Parvizfar, E. (2019). A Meta-Analysis of Financial Development Influences on Economic Growth. *Quarterly Studies in Banking Management and Islamic Banking*, 4(11), 131-150. (in Persian). <https://doi.org/10.22034/jifb.2020.209353.1164>
- Seifi pour, R (2010). Empirical Study on Effect Financial Development level on Economic Growth. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 3(5), 33-52. (in Persian).
- Shahchera, M., & Mirhashmi Naini, S. (2011). Analysis of the effects of monetary policy shock on the facilities of Iran's banking network (1380-1388). *Economic Development Research Quarterly*, 1(4). 91-118. (in Persian).
- Shaw, E. S. (1973). *Financial deepening in economic development*. New York: Oxford University Press.
- Stone, R. (1966). The Social Accounts from A Consumer's Point of View: An Outline and Discussion of the Revised United Nations System of National Accounts. *Review of Income and Wealth*, 12(1), 1-33.
- Temurshoev, U., & Timmer, M. P. (2011). Joint estimation of supply and use tables. *Papers in regional science*, 90(4), 863-882.

- Tobin, J. (1969). A general equilibrium approach to monetary theory. *Journal of money, credit and banking*, 1(1), 15-29.
- Torabi, T., Pikarjo, K., & Abron, N. (2010). The impact of financial development on growth rate in oil and non-oil developing countries. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 3(7), 139-163. (in Persian). https://jfkas.srbiau.ac.ir/article_4940.html
- Touati, K., & Kherbachi, H. (2016). Assessing the impact of structural changes in the financial sector on the Algerian economy: A financial social accounting matrix approach. *les cahiers du cread*, 115 (10), 35-72.
- United Nations Economic Commission for Africa, (UNECA). (2012), *Handbook of Supply and Use Tables: Compilation, Application, and Practices Relevant to Africa*, The African Center for Statistics
- Vorhami, V., & Avaznia, J. (2017). Survey Simultaneous Effect of Deposit and Loan Rate on Economic Growth in selective Developing Countries. *Economic Strategy*, 6(20), 65-83. (in Persian). https://econrahbord.csr.ir/article_103330.html
- Wong, K. S. K., & Lee, C. (2009). Financial social accounting matrix: concepts, constructions and theoretical framework. MPRA Paper No. 14641, posted 21 Apr 2009 13:55 UTC.